



برای خلق و خوی رسول خدا (ص) می‌باید سهمی اساسی در کار نشر دعوت او در نظر گرفته شود. ویژگیهای اخلاقی آن حضرت تا اندازه‌ای است که می‌توان او را یک اسوه تمام عیار اخلاق انسانی در حد بسیار بالا دانست. باید توجه داشت که خلق و خو به مقدار زیادی، خصیصه‌ای فردی و تا اندازه‌ای لطف الهی است. علاوه بر آن باید به این رسالت ویژه رسول خدا (ص) نیز اشاره کرد که «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». جذبه پیامبر (ص) در جذب دوستان فراوان او و نیز عامه مردم مکه و بعدها مدینه، بخوبی در روایات تاریخی منعکس شده است. اما قبل از آن، صراحت قرآن بهترین شاهد این امر است: «و راست خلقی عظیم [آنک لعلی خلق عظیم]». «به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوشخوی و مهربان هستی، اگر تند خو و سخت دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند.» به همین دلیل است که خداوند از او می‌خواهد با رویی گشاده پذیرای نومسلمانان باشد: «چون ایمان‌آوردگان به آیات ما، نزد تو آمدند، بگو: سلام بر شما، خدا بر خویش مقرر کرده که شما را رحمت کند» و فرمود: در برابر مؤمنان فروتن باش» بیشترین توصیفات موجود از رسول خدا (ص) از امام علی علیه السلام یار دیرین آن حضرت است، آن که نگاهی نافذ داشت و دوست و برادر را بهتر از هر کس دیگری می‌شناخت: «رسول الله نه زیاده از معمول بلند بود و نه زیاده از معمول کوتاه، بلکه میانه بالا بود. مویش نه بسیار معجد بود و نه بسیار صاف بی‌شکن، بل چین و شکنی اندک و دلپذیر داشت. چهره‌اش نه لاغر بود و نه فربه بل چهره‌ای مدور داشت با رنگی سفید مایل به سرخی. چشمانش سیاه و مژگانش برگشته بود. درشت استخوان بود و گشاده سینه، بدنش را موی اندک بود و تنها روی سینه‌اش مویی تنگ داشت. دستها و پاهایش زمخت می‌نمودند با انگشتانی مایل به ستبری. چون راه می‌رفت محکم و استوار می‌رفت و چنان پای از زمین برمی‌کند که گویی از بلندی به پستی می‌آید. چون می‌خواست به کسی روی کند سر بر نمی‌گردانید که با تمام بدن به سوی او برمی‌گشت. دلیرترین آنها و راستگوترینشان بود و به عهد خود سخت پایبند. از همه مردم زبانش نرمتر بود و در معاشرت از همه بهتر.

بی‌هقی و شامی و دیگران بسیاری از این قبیل گزارشات را که مربوط به قیافه و قامت رسول خداست گردآوری کرده‌اند که اینجا محل ذکر آنها نیست. علی (ع) در باره خلق اجتماعی او می‌گوید: «کسی که برای نخستین بار او را می‌دید، هیبتش او را می‌گرفت؛ هر کسی با او معاشرت می‌کرد دوستی‌اش را به دل می‌گرفت. آنگاه که به اصحابش می‌نگریست، لحظات نگاه را به تساوی میانشان تقسیم می‌کرد؛ وقتی به کسی دست می‌داد پیش از او دست خویش را باز نمی‌کشید همچنانچه صورتش را از او بر نمی‌گرداند مگر آن که او برگرداند. او چهره‌ای گشاده داشت. تندخو و ملامت‌گر و فحاش و مزاح نبود. سیره او میانه‌روی، سنت او هدایت و رشد، سخنش معیار حق و حکمش عدل بود.

یکی دیگر از اصحاب رسول خدا (ص) می‌گوید: هیچ کس را ندیده که بیش از رسول خدا (ص) بر لبانش تبسم باشد. و ابو سفیان که پس از مسلمان شدن رفتار اصحاب را با رسول خدا (ص) دید گفت: «ما رایت قوما اشد حبا اصحابهم من اصحاب محمد له»؛ «تاکنون ندیده بودم که کسانی صاحب خویش را آن اندازه که اصحاب محمد (ص) او را دوست می‌دارند، دوست داشته باشند». امام حسین (ع) نیز به نقل از پدرش رفتار رسول خدا (ص) را با مردمی که با او کاری داشتند به خوبی و زیبایی توصیف کرده است که چگونه به مردم نیازمند می‌رسید و از آنان می‌خواست تا نیاز کسی را نیز که نمی‌تواند خود را به او برساند، به او برسانند. رسول خدا (ص) جز وقتی را که برای خدا و خانواده گذاشته بود، هیچ چیزی را ذخیره نکرده و همیشه در اختیار مردم بود. آن حضرت دائما در پی تالیف قلوب مردم تلاش می‌کرد (یؤلفهم و لا ینفرهم). بزرگ هر قومی را آرام می‌کرد و او را بر آنان سروری می‌داد. از احوال اصحاب خویش تفقه می‌کرد و از آنچه میان مردم می‌گذشت می‌پرسید (یتفقد اصحابه و یسال الناس عما فی الناس). نیکوکاری را تحسین [می‌کرد و کار زشت را سبک می‌شمرد. آن حضرت میانه‌روی را حفظ می‌کرد، از حق [گویی کوتاهی نمی‌کرد و کوتاهی در حق‌گویی را روا نمی‌شمرد. همراهانش از بهترین مردم بودند و بهترین آنان نزد او، ناصح‌ترینشان بود و برترین آنان نزد او، نیکوکارترین آنها. او جز بر ذکر خدا قیام و فغود نداشت؛ در مجلسی که می‌نشست حق همه همنشینان را حفظ می‌کرد؛ به گونه‌ای که همنشین او، دوستدارتر از او بر خود نمی‌شناخت (و بر آن بود که پیامبر (ص) نهایت علاقه را بدو داشته و حتی بر دیگران ترجیحش می‌دهد). با هر کسی که بدو نیاز داشت آنقدر می‌نشست تا او برخیزد؛ کسی که چیزی از او می‌خواست جز با برآوردن نیاز او یا سخنی نیکو، او را باز نمی‌گرداند. او در حق، برابر مردم پدری می‌کرد و همه در برابرش در حق بودند؛ مجلس او مجلس حکمت و حیا و صبر و امانت بود؛ صدایی از آن بر نمی‌خواست. بر خورد او با مردم نرم و نیکو بود؛ از آنچه بدان علاقه‌ای نداشت خود را به تعافل می‌زد؛ از هیچ کس عیبجویی نکرده و کسی را ملامت نمی‌نمود. رسول خدا نیکوترین مردم، بخشنده‌ترین و شجاع‌ترین آنان بود. یکی از اصحاب گوید: وقتی نزد او از دنیا سخن می‌گفتم با ما همراهی می‌کرد وقتی سخن از آخرت بود در آن باره با ما سخن می‌گفت و زمانی نیز که سخن از طعام بود چنین می‌کرد. و عایشه می‌گفت: «کان خلقه القرآن»، و این که هرگاه سخن می‌گفت تبسم بر لبانش بود.

اینها نمونه‌هایی از برخورد رسول خدا (ص) با اطرافیان بود. اکنون می‌توان آن سخن خداوند را که فرمود: اگر تندخو بودی مردم از گردت پراکنده می‌شدند، بهتر درک کرد.